

فرعون و دوربین مخفی «رامز جلال»



زندانی شدن محمد مرسى و حتى حكم اخير اعدام وى به اندازه حبس مبارك و محكوميت او دور از انتظار نبود. در سيستمى نظامى و امنيتى كه پدرخوانده اش پشت ميله هاى زندان جلو دوربين برود...

زندانی شدن محمد مرسى و حتى حكم اخير اعدام وى به اندازه حبس مبارك و محكوميت او دور از انتظار نبود. در سيستمى نظامى و امنيتى كه پدرخوانده اش پشت ميله هاى زندان جلو دوربين برود، طناب دار مى تواند انتظار همه را بكشد. مساله اين است كه بسيارى باور دارند حسنى مبارك نرفته بود كه بازگردد و محمد مرسى را هنوز نمى توان فرزند انقلاب ناميد زيرا اساسا خدۀ انقلاب ملزومات، نتایج و شناسنامه اى دارد.

به هزار و يك دليل، اتهام هاى جاسوسى براى خارج از مصر، عليه محمد مرسى و يارانش بيشتر از يك واقعيت قابل اعتنا به يك جوک خشن و تلخ شبیه است و بارزترين دليل آن هم شايد قدم زدن آزاد فرعون در خيابان هاى قاهره باشد؛ ديكتاتورى كه تا قبل از به زندان افتادن رييس جمهور منتخب، لباس هاى سفيد زندان را بر تن داشت و عينكى تيره بر چشمان او به اين معنا كه از روى تكبر يا هر چيز ديگرى، مايل نبود ديگران حتى چشم هايش را ببينند.

چشم و گوش هاى هاى ديگر مبارك اما در جاى جاى مصر رخنه كرده بودند و در خيابان هاى پايتخت، مبارك ها قدم مى زدند. آزادى ديكتاتور و حبس و اعدام رييس جمهور منتخب در يك انقلاب ابتر، مساله اى دور از انتظار نبود.

هيچ چيز براى توصيف تحولات انقلاب مصر و افول زود هنگام ستاره ان زياتر از عبارات «دينا المغربى» روزنامه نگار و فعال مدنى مصرى نبود كه در گرماگرم تبرى مبارك از اتهام هايش و به زندان افتادن اعضاى اخوان المسلمين در آگوست 2013 (اوايل شهريور 92) چنين نوشت: نگرانم... هر لحظه منتظرم «رامز جلال» (بازيگر و مجرى معروف مصرى) ناگهان در صفحه تلويزيون ظاهر شود و با اشاره به پايان بازى انقلاب در مصر به روايى اين چند سال خاتمه دهد و بگويد: سوپرايز! سقوط مبارك در كار نبود! همه شما در برابر دوربين مخفى بوديد!

واقعيت اين است كه زندانى شدن محمد مرسى و حتى حكم اخير اعدام وى به اندازه حبس مبارك و محكوميت او غيرممکن نبود. در سيستمى نظامى و امنيتى كه پدرخوانده اش پشت ميله هاى زندان جلو دوربين برود، طناب دار مى تواند انتظار همه را بكشد. مساله اين است كه بسيارى باور دارند حسنى مبارك نرفته بود كه بازگردد و حتى اگر انقلابى در كار باشد كه فرزندان خود را بخورد، محمد مرسى را هنوز نمى توان فرزند انقلاب ناميد، زيرا اساسا خود انقلاب، ملزومات، نتایج و شناسنامه اى دارد. زندان مبارك بيش از زندان به مرخصى استعلاجى و طول درمان شبیه بود و بندش نيز به اتاق مراقبت هاى ويژه. در بدبينانه ترين وضعيت، بركنارى او برداشتن سر هرم و تعويض آن بود؛ غافل از اينكه بدنه و قاعده هرم فرعونى، بيش از هميشه فعال و در حال رقم زدن معادلات جديد با فرمول هاى قديم است.

محمد مرسى از زمانى لباس رياست جمهورى را از تن مى كند و براى پوشيدن لباس هاى زندان آماده مى شد كه از خواسته هاى اصلى ملت خود دانسته يا نادانسته غفلت كرد و طعمه بدخواهى هاى داخلى و خارجى شد.

محمد مرسى آن زمان جاى خود را به حسنى مبارك مى داد تا دشمنش به راحتى از آب و هواى مطبوع تفرجگاهش در شرم الشيخ استفاده كند كه مردم مصر در خيابان هاى قاهره براى انتخاب نمايندگان پارلمان خود صف بسته بودند و در اين صف ها بودند مادران عزيز داده اى كه با چشمان مالامال از اشك، نزد اعضاى ارشد اخوان المسلمين مى آمدند و در صفوف راى با التماس به آنها مى گفتند: «نگذاريد خون فرزندان انقلاب و شهداى ما پايمال شود»؛ در گرماگرم رقابت بر سر قدرت اما، نه چشمى مى ديد و نه گوشى مى شنيد هر چند چشم ها و گوش هاى مبارك در بند، آزادانه مىديدند، مى شنيدند و اوضاع را تحت كنترل داشتند.

رهبرى اخوان المسلمين مصر، حتى تكليفش را با مبادى و ارزش هاى اوليه انقلاب در سرزمينى اسلامى و در عين حال، ميراث باستانى فرعون ها نمى دانست. حتى خود محمد مرسى نيز نه آنگونه كه «توكل كرمان» فعال اجتماعى يمنى گفت، «نلسون ماندلاى جهان عرب» است و نه همنشين ژنرال هاى خودكامه. مرسى بيش از همه اين اوصاف، يك رييس جمهور بلاتكليف بود كه حتى فرق دوست و دشمن را ندانست.

مبارك به جاى مرسى آن هنگام براى خروج از زندان و تعويض جايش با رييس جمهور منتخب آماده مى شد كه دولت اخوانى ها با وجود آگاهى كامل از كينه و دشمنى برخى نظام هاى پادشاهى و اميرنشين هاى خليج فارس با خود جريان اخوان المسلمين به عنوان بزرگترين اپوزيسيون منطقه اى آنان و همچنين رقابت آنها با ايفائى نقش پررنگ مصر در منطقه در خطاى راهبرى به دشمنان قسم خورده سنتى پناه برد و به كمك هاى صندوق هاى سرمايه گذارى نفتى و وام هاى آنان دلخوش شد.

چه كسى مى توانست اين شوخى بزرگ را جدى بگيرد كه مالك بلامنازع امير نشين قطر- كسى كه به پدر رحم نمى كند و با كودتا بركنارش مى كند- بزرگترين حامى جمهوريت در كشورى شود كه خود قطبى تاريخى در برابر كشور هاى عربى خليج فارس بوده است؟!

چه كسى بود كه باور كند جريان هاى مورد حمايت عربستان سعودى، شريك مطمئنى براى روند دموكراتيك كشورى همچون

مصر باشند و باوری به دموکراسی داشته باشند؟ همان هایی که رییس جمهور مستاصل در همان ابتدای راه، بی محابا دست شراکت در قدرت به سوی آنان دراز کرد تا باز هم عافیت طلبانه مانند پرهیز ناگزیرش از بازماندگان رژیم سابق در جریان محاکمه مبارک، از گزند آنها مصون بماند.

محاکمه مرسی به جای مبارک از همان زمانی آغاز شد که رییس جمهور منتخب مصر پای خود را در پرونده تروریسم منطقه ای مانند حمایت از گروه های مسلح در سوریه همان جایی گذاشت که دولت عدالت و توسعه در ترکیه.

این واقعیت را یکی از معتمدان سابق خود رجب طیب اردوغان به نام «علی بولاگ» بیان می کند؛ فردی که سال ها مشاور اردوغان بود.

او می گوید: حزب عدالت و توسعه ترکیه و در راس آن شخص رجب طیب اردوغان مسئولیت بلاهایی که بر سر اخوان المسلمین آمد را باید تقبل کنند.

بولاگ بر این باور است که «همه چیز بعد از پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی مصر خوب بود تا اینکه اردوغان هوس کرد آرزوی امپراتوری عثمانی را با همراهی مصر مرسی محقق کند.»

مشاور سابق رییس جمهور ترکیه در روزنامه ترکی «زمان» ادامه می دهد: آنچه کمر شتر اخوانی ها را شکست، انتشار اخباری مبنی بر توافق مصر و ترکیه دو ماه پیش از برکناری مرسی برای براندازی بشار اسد در سوریه بود.

این، مساله شخص بشار اسد یا حتی نظام سوریه به تنهایی- نبود بلکه قضیه ترس منطقه ای به ویژه در میان ژنرال های سکولار درباره امپراتوری ادعایی بود؛ هر چند چنین انگاره ای هم توجیه گر به کارگیری سازمان یافته ماشین سرکوب علیه معترضان نباشد، اما ژنرال های مصری دیده بودند که عدالت و توسعه اخوانی تبار چه بر سر یونیفرم پوش های همترازشان در ترکیه آورده بود.

قدر مسلم اینکه، محمد مرسی را تنها توطئه و کودتای ژنرال ها پای چوبه دار نیاورد اگر حتی نتوانیم بگوییم که رییس جمهور منتخب مردم پیش از صدور حکم اعدامش، دست به انتحاری خواسته یا ناخواسته زده بود.

جام جم آنلاین- جواد ارشادی